

روداری مذهبی، راهی برای ایجاد دنیای عاری از خشونت*

نگارنده گان: دکتر عبدالملک وحیدی**

دکتر سید عظیم فقیری***

چکیده

در روند جهانی شدن، که دنیا به ده‌کده جهانی تبدیل شده است، روی کردها و عمل کردها به راحتی فراگیر می‌شود. در این میان، ادبیات نفرت نیز می‌تواند در سطح گسترده جهانی توسعه یابد. خشونت‌های مذهبی می‌تواند امنیت جهان را به خطر اندازد. مسأله این است که چطور می‌توان با کاهش ادبیات نفرت، جهان زیست به‌تری ساخت؟ چه‌گونه می‌توان تقابل پیروان مذاهب را به عرصه تعامل سازنده مبدل نمود و از این ره‌گذر گامی در مسیر جهان عاری از خشونت برداشت؟

پاسخ به این پرسش مهم است. مقاله حاضر، به‌منظور ارائه رهنمونی برای ایجاد دنیای به‌تر، تلاش نموده است با استفاده از داده‌های کتاب‌خانه‌یی، با روش تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد. داده‌های تحقیق نشان می‌دهند اتخاذ گفت‌وگوی سازنده، اعتدال‌گرایی، مدارا و شکیبایی، خردورزی و تأکید بر نقاط مشترک، می‌تواند راهی برای رهایی از ادبیات نفرت و دوری از خشونت‌های مذهبی و ساختن جهان به‌تر، محسوب شود.

واژه‌گان کلیدی: روداری مذهبی، پیروان ادیان، گفت‌وگوی سازنده، مدارا،

خشونت مذهبی، ادبیات نفرت، تساهل، خردگرایی و اعتدال.

* این مقاله از سوی پوهنتون غالب، در کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی ادیان در دانش‌گاه مسکو به تاریخ ۲۹ سنبله ۱۴۰۰، ارائه گردیده است.

** عضو هیئت‌علمی پوهنتون / دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی پوهنتون / دانش‌گاه غالب هرات

(drvahidi1980@gmail.com)

*** عضو هیئت‌علمی پوهنتون / دانش‌گاه غالب هرات

Ghalib

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 07 / 10 / 2021

Accepted: 06 / 03 / 2022

Religious tolerance is a way to create a world free of violence***Authors:** Dr. Abdul Malik Wahidi** &
Dr. Seyed Azim Faqiri*****Abstract**

In the process of globalization, in which the world has become a global village, approaches and practices are easily pervasive. Meanwhile, hate literature can also be developed on a global scale. Religious violence can endanger world security. The question is, how can a better world be created by reducing hate literature? How can the confrontation of the followers of religions be turned into an arena of constructive interaction and through this a step towards a world free of violence?

The answer to this question is important. The present article, in order to provide guidance for creating a better world, has tried to answer this question by analytical method using library data. Research data show that adopting constructive dialogue, moderation, tolerance, reasoning, and emphasizing commonalities can be a way to get rid of hate literature, avoid religious violence, and build a better world.

Keywords: religious tolerance, followers of religions, constructive dialogue, tolerance, religious violence, hate literature, tolerance & rationalism and moderation.

* This Article was presented by Ghalib University at the International Conference on Religious tolerance at Moscow University on 20 September 2021

** Academic Cadre of Ghalib University- Faculty of Law and Political Science (drvahidi1980@gmail.com)

*** Academic Cadre of Ghalib University

مقدمه

جهان کنونی، جهان به هم پیوسته است. تعامل انسانی در ابعاد مختلف وجود دارد. لایه‌های پیچیده‌ی از ارتباطات شکل گرفته است. جهانی شدن، پروسه‌ی بدون وقفه تلقی می‌شود. در این ده کده جهانی، همه چیز به گونه‌ی «جهان شمول» شده است، که حصارکشی‌های گسترده بر اطراف مرزها نتوانسته است مانع روابط اهالی آن گردد. در دنیای امروز، باورها، ایده‌ها و کنش‌ها به مرزهای‌های جغرافیایی محدود نمی‌مانند. ما در عصری قرار داریم که عشق و نفرت به سرعت جهانی می‌شود. امروزه در پرتو تکنالوژی، مهرورزی و خشونت به پیمانۀ وسیعی منتشر می‌شود. ما به خوبی درک می‌کنیم، به همان پیمانۀ که اندیشه‌های متعالی حقوق بشری اوج گرفته و ترویج شده است، انواع خشونت‌های مذهبی، جنسی و نژادی نیز گسترش یافته است.

گسترش روزافزون خشونت‌ها هر روز از ابنای بشر قربانی می‌گیرد؛ هرچند، برخی از این خشونت‌ها، رنگ سیاسی دارد؛ اما این واقعیت را نباید فراموش کرد که بسیاری از خشونت‌ها ریشه در برداشت‌ها و انگیزه‌های دینی و مذهبی دارد؛ به گونه‌ی که از آن به خشونت‌های مقدس تعبیر می‌شود. اینک، این پرسش مطرح است که چه گونه می‌توان این خشونت‌ها را کاهش داد و با تعامل سازنده و گفت‌وگوی هم‌زیستانه میان پیروان ادیان، جهان به تری برای زنده‌گی بشر ساخت؟

این نوشته، تلاش می‌کند با استفاده از داده‌های کتاب‌خانه‌ی و با بهره‌گیری آیات قرآنی، به این پرسش پاسخ بگوید. هرچند این زمینه نوشته‌های قبلی وجود دارد، که تاحدی اهمیت و ماهیت بحث را نشان می‌دهد؛ به عنوان نمونه می‌توان از کتاب «بررسی تطبیقی رواداری مذهبی در عصر آل بویه و سلجوقیان»، اثر محمد دهقانی اشاره نمود. در این کتاب نویسنده ابتدا به توصیف ویژه‌گی‌های سیاسی و اجتماعی این دو حکومت پرداخته و پس از آن اوضاع دین و دیانت و آزادی مذهبی رایج در حکومت عصر آل بویه و سلجوقیان، مورد تجزیه و تحلیل تاریخی قرار گرفته است.

نویسنده، هدف از تأسیس فراوان مسجد، کتاب‌خانه، مکاتب دینی را ترویج علوم و معارف اسلامی در این دو دوره تاریخی دانسته است؛ هم‌چنین از رونق‌داشتن فعالیت علمای دینی در عصر حکومت عصر آل بویه و سلجوقیان، سخن گفته و مسأله رواداری مذهبی را در این دو عصر باهم مقایسه کرده و نحوه برخورد حاکمان سیاسی این دوره‌ها را با ادیان و فرقه‌های مختلف بررسی کرده است (۱۳۹۳: ۲۰). نوشته دیگری از همین نویسنده و محمدرضا بارانی، تحت عنوان «تقش رواداری مذهبی در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در قرن چهارم» است. در این نوشته نویسنده گان پس از بیان ماهیت و ابعاد رواداری مذهبی، اظهار می‌دارند که: «در سایه رواداری مذهبی و دوری از تعصب است که اندیشه‌های مختلف و گاهی متضاد اجازه ظهور پیدا می‌کنند و زمینه شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم می‌شود» (دهقانی و بارانی، ۱۳۹۲: ۷۰).

همچنین در زمینه رواداری، مقاله‌یی از علی آقائوری و محسن والی‌زاده با عنوان «نقش و اقدامات فاطمیان مصر در شکوفایی و مظاهر تمدنی با تأکید بر رواداری»، به نشر رسیده است. نویسندگان ادعا دارند که: «اتخاذ سیاست تساهل و تسامح در برابر ادیان و مذاهب دیگر به میزان چشم‌گیری در شکل‌گیری تمدن اسلامی قرون سوم و چهارم، که از آن به دوران طلایی تمدن اسلامی یاد می‌شود، تأثیرگذار بوده است» (۱۳۹۳: ۹۶).

مقاله‌یی دیگر، از خانم معصومه دهقان با عنوان «تسامح و تساهل مذهبی مغولان در روی‌کرد با اندیشه‌های دینی» چاپ شده است. در این مقاله بیان داشته است، که مغولان رواداری بالایی داشته‌اند؛ به‌گونه‌یی که: «چنگیزخان از بی‌تعصبی و بی‌قیدی مغولان نسبت به مذاهب و ادیان سود برد. او این امر را اصل و قانونی سیاسی و دولتی ساخت و نقشه‌ ایجاد امپراتوری جهانی خود را بر این پایه قرار داد» (۱۳۸۸: ۵۱).

این نوشته‌ها و تحقیقات مشابه، بیش‌تر روی‌کرد تاریخی دارند؛ هرچند گزارشی از ماهیت و نقش رواداری در بهبود هم‌زیستی ارائه کرده‌اند، اما راه‌کاری برای کاهش خشونت‌های مذهبی به‌شمار نمی‌روند؛ به همین دلیل مقاله حاضر تلاش می‌کند از منظر تازه‌تر به موضوع پرداخته و با استفاد از آموزه‌های اسلامی به مسأله جواب گوید.

برای یافتن پاسخ به پرسش تحقیق، ابتدا از زمینه‌ها و بسترهایی که موجب بروز نفرت‌های اجتماعی و تداوم خشونت دینی شده است، بحث می‌کنیم و سپس به ارائه راه‌کارهای مناسب، می‌پردازیم.

داده‌های تحقیق نشان می‌دهند: اتخاذ‌گفت‌وگویی سازنده، اعتدال‌گرایی، مدارا و شکیبایی، خردورزی و تأکید بر نقاط مشترک، می‌تواند راهی برای رهایی از ادبیات نفرت و دوری از خشونت‌های مذهبی و ساختن جهان به‌تر، محسوب شود.

زمینه‌های بروز خشونت‌های مذهبی

ارائه طرح نو، جهت زنده‌گی انسانی در جهان به‌تر، نیازمند بررسی زمینه‌های دینی خشونت است. ادیان، اصولاً مدعی رست‌گاری بشر می‌باشند. ادبیات دینی، ادبیات رحمت است، نه نفرت؛ به‌همین دلیل، در اغلب ادیان حاوی نوید خوش‌بختی انسان‌ها است. با درنظر داشت این واقعیت، اینک، این پرسش مطرح می‌شود که چرا بخشی از خشونت بسترهای دینی دارد؟ چه زمینه‌هایی سبب شده است، که پیام رحمانی ادیان کم‌تر مورد توجه قرار گیرد؟ در ذیل به موارد مهم آن اشاره می‌شود:

۱. استفاده ابزاری از آموزه‌های دینی

دین، یک مجموعه نظام‌مند برای تأمین امور معنوی انسان‌ها است؛ اما در برخی موارد قرائت‌پذیری دین، زمینه خوانش‌های متفاوت و گاه متعارض را فراهم می‌کند (رستمیان، ۱۳۹۰: ۱۷). همین امر، سبب شده است که دین در برخی مقاطع شدیداً در معرض سوءاستفاده قرار گیرد. سوءاستفاده از دین به شکل گسترده صورت گرفته است؛ در این میان، متولیان دینی، روحانیون و اصحاب قدرت و سیاست، بیش‌تر از دیگران میدان‌دار بوده‌اند. مثال روشن این امر، وضعیت مردم، در غرب قرون وسطایی است. در آن دوره، کشیش‌های کلیسا، با استفاده از مفاهیم مذهبی و با گروه‌گرفتن اعتقادات مردم، بر آن سامان حکومت کرده و نیات سیاسی شان را بر مردم تحمیل نمودند، هرگاه که پایه‌های حاکمیت ارباب قدرت متزلزل می‌شد، با بهره‌گیری از دین و تقدس‌گرایی، حمایت توده‌ها را جلب می‌کردند (ناردو، ۱۳۸۷: ۲۵). مردم نادان و معتقد آن روز، اصحاب کلیسا را به‌عنوان حاکمان بلامنازع دنیوی و اخروی شان پذیرفته بودند و هرگونه تمرّد و سرپیچی از دستورهای کلیسا را به مثابه از دست‌دادن دنیا و آخرت قلم‌داد می‌نمودند. این وضعیت خفقان، چنان سرنوشت مردم آن زمان را به تاریکی کشانیده بود، که خرافه‌گرایی بخش عمده زنده‌گی آنان گردیده بود. توده‌ها که با هزاران مشقت و زحمات طاقت‌فرسا به هدف تأمین معیشت و نفقه عیال شان به انجام کارهای شاقه مصروف بودند، بخش زیادی از درآمدها را به اصحاب کلیسا پرداخت می‌کردند، تا در بدل آن، جای‌گاهی در بهشت برای خود دست‌وپا نمایند (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۹)، این وضعیت صدها سال را در بر گرفت، تا زمانی که رنسانس صورت پذیرفت و مردم با ایجاد جرقه‌یی از آگاهی و روشن‌بینی، به تحجر و خرافه‌گرایی نه گفتند و فصل جدید زنده‌گی را در تاریخ این وادی ورق زدند. نمونه‌یی دیگر، جنگ‌های مذهبی است که در دوره‌های مختلف تاریخی، در مناطق گوناگون جهان صورت گرفته است. جنگ‌هایی که میان پیروان ادیان و یا میان پیروان دو یا چند مذهب صورت گرفته است، بیش‌تر جنبه سیاسی داشته و اصحاب قدرت و سیاست در راستای منافع سیاسی شان با تکیه بر باورهای مذهبی مردم به راه انداخته‌اند. این واقعیت در افسانه جنگ‌های مذهبی اروپا و هم‌چنین جنگ‌های صلیبی (توماس، ۱۳۹۸: ۱۵)، و نیز منازعات مذهبی در عصر خلافت عثمانی و حاکمیت صفوی (طفوش، ۲۰۱۰: ۱۷)، مشهود است.

این امر، محدود به دین خاص و جغرافیای ویژه‌یی نیست. در اکثر دوره‌های تاریخی، در ادیان گوناگون خشونت با توجیه دینی صورت گرفته است (رودریگس، جان اس هاردینگ، ۱۳۹۱: ۲۷۷) و (فونتانا، ۱۳۸۵: ۲۰).

۲. مواجهه عاطفی با آموزه‌های دینی

اگر دین را به مثابه باور در نظر بگیریم و یا حد اقل باور را جزء جدایی‌ناپذیر آن بدانیم، طبیعی است که یکی از شیوه‌های درست مواجهه با آن، مواجهه عقلانی است؛ اما نوع مواجهه با دین در افغانستان نه عقلانی، که غالباً عاطفی و احساسی می‌باشد. این امر، یکی از آسیب‌ها و کاستی‌های دین‌ورزی است، که پیامدهای ناگواری بر زنده‌گی و سرنوشت مردم ما گذاشته است. پیامد منفی مواجهه احساسی با آموزه‌های دینی، تقلید و تعصب است.

اگر تعصب را به برخورد بُردبارانه و عاطفی با عقاید خود و نأبردباری با عقاید دیگران تعریف کنیم، می‌بینیم که موضوع آن نه اندیشه و تفکر، شیوه برخورد و مواجهه با اندیشه و افکار و نحوه تعامل با عقاید است؛ بنابراین، تعصب، محصول تفکر نیست، بل که برآیند اخلاق و منش آدمی است؛ پس تعصب صفت اخلاق است و نه اندیشه؛ از این رو، متعصب بودن و نبودن فرد، بسته به منش و شخصیت او می‌باشد. این امر بیش‌تر متأثر از عواطف آدمی است (وحیدی، ۱۳۸۸: ۶۷).

وقتی در جامعه‌یی مواجهه با دین از روی احساس و عاطفه و نه منطق و استدلال صورت گیرد، طبیعی است که زمینه برای حضور و رشد تعصب و تنگ‌نظری ایجاد می‌شود و در واقع انسان متعصب همانند مادر شدیدالحب است، که هیچ‌گونه کجی و کاستی را در فرزندش نمی‌بیند؛ بنابراین، چنین کسی از نقد گریزان است و از انتقاد هراسان؛ زیرا هرگونه پرسش و نقد موجب جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف او می‌گردد. متأسفانه چنین فضایی در جامعه ما به‌صورت گسترده سایه انداخته و در زوایای مختلف، خودش را نشان می‌دهد.

۲-۱. تقلید

یکی از پیامدهای مواجهه عاطفی با دین، تقلید کورکورانه است. از آن‌جا که عاطفه مادر حُب و بُغض است و انسان عاطفی همان‌گونه که از تعصب‌ورزی در برابر عقاید دیگران در امان نیست، از گرایش افراطی نسبت به باورهای خود نیز مصون نمی‌باشد و استعداد پذیرش زود هنگام هرگونه مدح و تمجید و حتا اندیشه‌ها و آموزه‌هایی را که هم‌نوا با عقایدش بوده و با عواطفش هم‌گون باشد، دارا است؛ هرچند تقلید در زوایای مختلف زنده‌گی آدمی حضور دارد، اما آن‌چه زیان‌بار بوده و خطرآفرین است در زمینه عقیده و اندیشه است.

تقلید و تعصب، که زایده مواجهه احساسی با آموزه‌هایی دینی است، در همه زمینه‌ها، به‌خصوص در حوزه باور و اعتقاد خطرآفرین است. این دو، به تدریج زمینه‌های بنیادگرایی و افراطیت را فراهم می‌کند. جهل مقدس را رشد می‌دهد و خشونت‌های مذهبی را گسترش می‌دهد.

۳. پایین بودن میزان معلومات مذهبی

یکی از عوامل تنش در میان پیروان ادیان، بی‌خبری آن‌ها از باورهای اصیل سایر ادیان است. این امر سبب شده است که در گذر زمان، افسانه‌های دروغین علیه معتقدات پیروان سایر ادیان و مذاهب صورت گیرد. به تدریج، تصویرهای غیرواقعی بر ساخته می‌شود. این امر، زمینه‌ساز داوری‌های نادرست و قضاوت‌های غیرمنصفانه را علیه پیروان ادیان دیگر فراهم می‌کند.

قرآن کریم، سخت مخالف قضاوت‌های نادرستی است، که بدون علم و آگاهی صورت می‌گیرد. کتاب مقدس مسلمان‌ها در نکوهش از افراد ناآگاه که بدون علم و دانش درباره مسائل فکری و اعتقادی، داوری می‌کنند، در سوره حج و در دو آیه ذیل چنین بیان داشته است: «و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم و یتبع کل شیطان مرید» (حج: ۳)؛ (بعضی از مردم، بی‌هیچ دانشی درباره خدا گفت‌وگو می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند)؛ «و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم و لا هدی و لا کتاب منیر» (حج: ۸)؛ (و گروهی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی‌بخش، درباره خدا گفت‌وگو می‌کنند).

در این دو آیه، بر خود جاهلانه و تعصب‌آمیز پیروان و حتا سردمداران دینی، مورد ملامت و نکوهش قرار گرفته است.

راه‌کارهای کاهش خشونت‌های مذهبی

جامعه عاری از خشونت، خواست نسل امروز است؛ اما این خواست، به آسانی به دست نمی‌آید. بشر، برای ساختن جهان بهتر، باید تلاش هوش‌مندانه‌ی انجام دهد. این امر بدون عبور از خشونت‌های مقدس، ممکن نیست. برای ایجاد یک جامعه عاری از خشونت، باید به راه‌کارهای ذیل توجه نمود:

۱. گفت‌وگوی سازنده

قرآن کریم، به گفت‌وگو توجه خاص دارد. در این کتاب، چندین سوره وجود دارد که اختصاص به ادیان گذشته دارد؛ همانند سوره‌های ابراهیم، یونس، نوح، مریم، بنی اسرائیل و...؛ هم‌چنین، در قرآن کریم از پیام‌بران و اُمّت‌های زیادی یاد شده است؛ اما ادیانی که بیش از همه به آن‌ها توجه شده است، ادیان یهودیت، مسیحیت، مجوس و صابئین است. قرآن کریم از این ادیان به‌عنوان ادیان الهی نام برده است. در قرآن کریم، رابطه ادیان با یک‌دیگر و رابطه اسلام با ادیان در بسیاری از آیات، مورد بحث قرار گرفته است، از این نگاه می‌توان قرآن را به‌عنوان بهترین کتاب برای تفاهم ادیان معرفی کرد.

اسلام، نه تنها یهودیت و مسیحیت را به عنوان ادیان آسمانی به رسمیت می‌شناسد، که پیامبران آن‌ها را با احترام یاد و به مراتب بیش‌تر از پیامبر اسلام، نام می‌برد؛ به عنوان مثال نام موسی ۱۳۶ بار و نام عیسی ۲۵ بار و نام محمد ۴ بار در قرآن ذکر شده است.^۱ در قرآن کریم، از مریم به گونه‌ی ستایش می‌کند، که در کتاب‌های مقدس مسیحیان چنین ستایشی دیده نمی‌شود؛ هم‌چنین، در قرآن کریم، یهودیان و مسیحیان به عنوان اهل کتاب، در صورتی که مؤمن از دنیا بروند، نجات یافته تلقی شده‌اند. بین مسلمان و یهودی و مسیحی، اصول مشترک قائل است که از آن به " کلمه سواء " یاد می‌کند.

اسلام تمامی پیروان ادیان گذشته را به زنده‌گی مسالمت‌آمیز و پیروی از مبانی مشترک فراخوانده است. قرآن رابطه صلح‌آمیز و آشتی‌جویانه اسلام با پیروان سایر ادیان را این‌گونه بیان می‌دارد: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الاً نعبد إلا الله و لانشکر به شیئاً و لایتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فإن تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» (آل عمران: ۶۴)؛ «بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سخنی که میان ما و شما یک‌سان است تکیه کنیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و برخی از ما بعضی دیگر را به خدایی نگیرد؛ پس اگر از این پیش‌نهاد سر باز زدند و اعراض کردند، بگویند: شاهد باشید که ما مسلمانیم، نه شما».

این آیه، علاوه بر دعوت صریح به روابط نیک بین پیروان ادیان، به نکات ذیل توجه جدی دارد: ۱. به دنبال نقاط مشترک رفتن و سعی و تلاش جهت رسیدن به تفاهم با پیروان ادیان؛ ۲. پیش‌گامی اسلام در ایجاد وحدت و تفاهم با سایر ادیان؛ ۳. بیان شفاف مواضع در گفت‌وگوها؛ ۴. کوتاه‌نیا آمدن از مواضع اصولی و ارزشی خود، در عین تلاش برای یافتن نقاط مشترک. ۵. تلاش برای دستیابی به بعضی از نقاط مشترک؛ در صورت دست‌نیافتن به همه اهداف؛ ۶. ترک مجادله؛ در صورت اقامه برهان و دلیل و عدم دستیابی به کم‌ترین هدف. در این مرحله، یعنی مرحله تلاش برای رسیدن به نقاط مشترک، روی سخن با تمامی پیروان ادیان است (فصیحی، ۱۳۸۲: ۵۱).

اسلام نه تنها با اهل کتاب این‌گونه برخورد دارد، که حتی مشرکان را نیز، زیر پوشش رحمت و عطف اسلامی قرار داده، در مورد شان به مسلمانان چنین سفارش می‌کند: اگر آنان تمایل به هم‌سایه‌گی شما پیدا کردند، شما نیز به این کار رضایت دهید؛ تا فرصت ندای الهی بشود. «و ان أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام الله» (توبه: ۶) و اگر یکی از مشرکان از تو پناهنده‌گی بخواهد، به او پناه بده، تا سخن خدا را بشنود.

^۱. البته به نام‌ها و اوصاف دیگر مانند احمد، نبی، رسول و ... هم ذکر شده است.

در مرحله صلح‌جویی و رابطه مسالمت‌آمیز، اسلام پیروان دیگر ادیان را به توحید و تقوای پیشه‌گی دعوت نموده و آنان را در این راه تشویق و ترغیب می‌نماید. «و لو أن أهل الكتاب آمنوا و اتقوا لكَفَرْنَا عَنْهُمْ سِيئَاتِهِمْ» (مائده: ۶۵)؛ ترجمه: اگر اهل کتاب ایمان آورده پرهیزکاری پیشه سازند، حتماً گناهان شان را می‌بخشیم. «و لو آمن أهل الكتاب لكان خيراً لهم» (آل عمران: ۱۱۰)؛ ترجمه: و اگر اهل کتاب ایمان آورند قطعاً برای آنان بهتر است. روش پیامبر اسلام (ص)، در برخورد با مردم به این صورت بوده است، که به سخنان تمامی افراد با دقت گوش داد؛ اما درباره بی‌صدافتی آنان، تنها سکوت می‌نمود. این‌گونه، احترام افراد را حفظ می‌کرد و در عین حال، تنها به مؤمنان اعتماد داشته و سخنان آنان را مورد تصدیق قرار می‌داد (توبه: ۶۱).

۲. اعتدال‌گرایی

در جهانی که انواع تهدیدها گسترش یافته است، میانه‌روی به‌عنوان راه حلی برای رهایی بشر از خشونت‌ها به‌شمار می‌رود. اعتدال، در دین اسلام یک فضیلت اخلاقی شمرده می‌شود. در آموزه‌های اسلامی تأکید زیادی بر میانه‌روی و حفظ اعتدال صورت گرفته است.

در قرآن کریم به این میانه‌روی اشاره شده است؛ تا جایی که اُمت مسلمان را اُمت وسط نامیده است. «و کذلک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره: ۱۴۳)؛ ترجمه: این چنین شما را اُمت معتدل قرار دادیم، تا گواه بر همه مردمان باشید. جدا از این امر به‌صورت موردی هم دستورهایی در باب اعتدال و میانه‌روی داده است. در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء: ۲۹)؛ ترجمه: و نه هرگز دست خود (در احسان به خلق) محکم به گردنت بسته‌دار، و نه بسیار باز و گشاده‌دار، که (هرکدام کنی) به نکوهش و درمانده‌گی خواهی نشست.

قرآن کریم اعتدال را در زنده‌گی شخصی نیز توصیه نموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ ترجمه: کسانی که به هنگام انفاق، نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری و بخل می‌ورزند، بل که در میان این دو، حد اعتدال و میانه را می‌گیرند. در اسلام، افراط و تفریط منع شده است. چنان‌که حضرت علی، یکی از پیش‌وایان دینی فرموده است: «لَا تَرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفْرَطًا» (به نقل از: شهیدی، ۱۳۹۱: ۶۱)؛ بدین معنا که «نادان را نمی‌بینی؛ مگر این‌که زیاده‌روی و یا کوتاهی نماید».

این امر نشان می‌دهد که افراط و تفریط در روابط اجتماعی بیش‌تر پیامد منفی دارد. دوری از اعتدال، انسان‌ها را در دایره حُب و بُغض‌های بیجا قرار می‌دهد. این امر زمینه سوء رفتارهای اجتماعی را فراهم خواهد ساخت.

۳. مدارا و شکیبایی

اصل مدارا، یکی از اصول راه‌بردی در دین مبین اسلام است. این امر در متون دینی با واژه‌های مختلفی هم‌چون رفیق، مدارا، سهل، یسر، هین، لین، حلیم و مانند آن، بیان شده است. از این منظر، شریعت اسلام شریعت «سمحه و سهله» است. مفاهیمی مانند آسان‌گیری، رحمت، رأفت، بردباری، سعه صدر، شرح صدر، و رفع حسر و حرج، که به‌صورت گسترده در آموزه‌های دینی آمده است، گویای این واقعیت است. این آموزه‌ها، نقطه مقابل نفرت، خشونت و تعصب است. در قرآن کریم نیز در مواجهه با دیگران اصل بر عفو، نرمی و مدارا است (نور: ۲۲، تغابن: ۱۴، حجر: ۸۵ و زخرف: ۸۹) احسان و رفع سیئه با حسنه (رعد: ۲۲ و نمل: ۴۶). خداوند، نرم‌خویی و مدارا را از ویژه‌گی‌هایی پیام‌بر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم معرفی می‌کند: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظاً لقلب لا نفضوا من حولك...» (آل عمران: ۱۵۹)؛ ترجمه: پس به برکت رحمت الهی با آنان نرم‌خو و پُرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. هم‌چنین قرآن در آیه ۴۴ سوره طه، با یادآوری دعوت موسی و برادرش هارون، مؤثر بودن روش‌های عاری از خشونت را تأیید می‌کند: «إذهبوا إلى فرعون أنه طغى. فقولاً له قولاً لبناً لعله يتذكر أو يخشى» (طه: ۴۴)؛ ترجمه: به‌سوی فرعون بروید، که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گوئید، تا پند پذیرد یا بترسد. مدارا و شکیبایی، در سیره عملی پیام‌بر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم نیز نمود یافته است؛ چنان‌که خود نیز به این امر تذکر داده است: «أمرني ربي بمداراة الناس كما أمرني بأداء الفرائض» (به نقل از: حجتی، ۱۳۶۵: ۵۹)؛ ترجمه: خدایم مرا به مدارا و ملایمت با مردم فرمان داد، چنان‌که به انجام واجبات مرا امر کرد.

چنان‌که مشاهده می‌شود، این اصل، در اسلام پذیرفته شده است. این اصل راه ورود به عرصه گفت‌وگو و تعامل با پیروان دیگر ادیان و فرهنگ‌ها را گشوده است. با تساهل و مدارا، می‌توان زمینه یک تعامل سازنده با دیگران را فراهم نمود. خوش‌بختانه این آموزه دینی در فرهنگ و ادبیات فارسی نیز مطرح شده است. چنان‌که در اشعار حافظ می‌خوانیم:

آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت، با دشمنان مدارا (حافظ شیرازی، ۱۳۹۹: ۵)؛ و یا: درخت دوستی بنشان، که کام دل به بار آرد / نهال دشمنی برکن، که رنج بی‌شمار آرد (همان: ۱۱۵).

۴. خردگرایی

یکی از بایسته‌های مهم در ایجاد دنیای به‌تر، رشد خردگرایی است. زنده‌گی خوب، بدون رشد عقلانیت ممکن نیست. زنده‌گی خردورزانه، جوامع انسانی را از رفتارهای احساسی نجات می‌بخشد.

در چنین جامعه‌هایی، کم‌تر بذر نفرت پاشیده می‌شود و کنش‌های هیجان‌آلود، کم‌تر مجال بروز می‌یابد.

ترقی انسان‌ها معمولاً مرهون عقل است. عقل، مایه تمایز انسان از سایر موجودات زنده به شمار می‌رود. برای همین، هرگونه سخن، اعتقاد و یا رفتاری که برخلاف عقل باشد، نکوهیده است. بدون تردید، انکشافات جوامع انسانی مدیون تعامل خردورزانه انسان‌ها است. میراث عظیم علمی، فرهنگی و تمدنی بشر، حاصل عقل و خرد خدادادی است.

برای همین، اندیشه‌ورزی و تفکر در آموزه‌های دین مبین اسلام، بارها مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم به صورت گسترده واژه‌گان تعقل، تفکر، تدبّر و دهها واژه همانند آن استفاده شده است. در این کتاب، آدمیان را به خردورزی تشویق کرده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به آیات ذیل اشاره نمود:

«... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ «... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم: ۲۲)؛ «... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۳)؛ «... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۴)؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۲)؛ «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا... ذَلِكَ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام: ۱۵۱)؛ «اعلموا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (حدید: ۱۷)؛ «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره: ۲۴۲)؛ و «... قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران: ۱۱۸).

اگر به آیات قرآنی در مورد اندیشه و خرد، توجه شود و عقلانیت سرلوحه زنده‌گی فردی و اجتماعی بشر قرار گیرد، بدون تردید، حیات جمعی انسان‌ها، شکل به‌تری به خود می‌گیرد. یکی از پیامدهای طبیعی خردورزی، احترام گذاشتن به دیدگاه‌های دیگران و دوری از خشونت و خودمحوری است. قرآن کریم انسان‌ها را به خویش‌داری و دوری از برخوردهای تند و زنده دعوت می‌کند: «وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زِينًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۰۸)؛ ترجمه: چیزهایی را که آنان به جای خدا می‌خوانند دشنام ندهید، که آنان نیز بی هیچ دانشی از روی کینه‌توزی، به خداوند دشنام دهند. این چنین عمل هر قومی را در چشمان شان آراسته‌ایم. پس بازگشت همه‌گان به سوی پروردگارشان است و او همه را از کارهایی که کرده‌اند آگاه می‌سازد.

این امر، بدون آزاداندیشی و دورانداختن برساخته‌های ذهنی، به‌دست نخواهد آمد. آزاداندیشی، شرط مهم هم‌پذیری و تعامل سازنده در جوامع متکثر امروزی است. درواقع، گفت‌وگوی هم‌زیستانه بدون عمل به آن‌چه قرآن کریم فرموده است، ثمربخش نخواهد بود: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْأُولِيَاءُ» (زمر: ۱۷)؛ ترجمه: پس

بنده‌گان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند. آنان، کسانی هستند که خدا هدایت شان کرده و آن‌ها خردمنداند.

قرآن کریم، نه تنها انسان‌ها را تشویق و ترغیب به گفت‌وگو می‌کند، که گوش‌دادن به سخنان دیگران و انتخاب و پیروی نمودن از بهترین آن‌ها را از ویژه‌گی‌های انسان‌های هدایت‌شده از سوی خداوند و خردمندان معرفی می‌کند و از آن به «جدال احسن» تعبیر می‌کند (عباسی مقدم، فلاح مرقی، ۱۳۹۷: ۶۴-۴۵).

۵. توجه به اصول و باورهای مشترک

ادیان الهی مطرح در قرآن کریم، اشتراکات فراوانی دارند، که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. اعتقاد به مبدأ واحد، که آفریننده همه آفرینش و حاکم بر زمین و زمان است؛ ۲. اعتقاد به اصالت وحی الهی و پیام‌برانی که از سوی خداوند برای هدایت بشر آمده‌اند؛ ۳. اعتقاد به روز واپسین و وجود بهشت و جهنم؛ ۴. اعتقاد به بازخواست از انسان در روز رستاخیز.

علاوه بر آن چه ذکر شد، اسلام، یهود و مسیحیت، درباره حضرت ابراهیم (ع) نظر مشترک دارند و وی را «پدر مؤمنان» می‌شناسند. متون مقدس دین یهود و مسیحیت، حضرت ابراهیم را به‌عنوان «دوست خدا» معرفی می‌کنند (برنارد، ۱۳۸۰: ۸). چنان‌که در آیه ۷۸ سوره حج به آن اشاره شده است: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أُولَئِكَ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا...» (الحج: ۷۸)؛ ترجمه: و در راه خدا چنان‌که باید جهاد کنید. او شما را برگزید و برای تان در دین هیچ تنگنایی پدید نیاورد. کیش پدر تان ابراهیم است. خداوند شما را در کتاب‌های پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید.

نتیجه‌گیری

واقعیت این است، که جهان هرچه بزرگ‌تر می‌گردد، به همان پیمانانه خطر و تهدید نیز افزون‌تر می‌شود. توسعه تکنیک و رشد علمی، نه تنها مانع تهدیدهای مخاطره‌آمیز برای جامعه انسانی نگردید، که بر دامنه آن افزود. اکنون، با استفاده از تکنولوژی عصری، ارتباطات انسانی آسان شده است و تعاملات متقابل بین افراد، گروه‌ها و دولت‌ها سهولت یافته است. این وضعیت زمینه انتقال انواع ارزش‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌ها را در سطح جهان فراهم کرده است. در چنین شرایطی گروه‌های سازمان‌یافته، از جمله جریان‌های مذهبی به دلیل باورهای پیونددهنده دینی، به راحتی گرد هم می‌آیند. احساسات، ایده‌ها و آرزوهای واحدی را شکل داده و در تمام دنیا تبلیغ می‌نمایند.

از سویی به دلیل تفاوت دیدگاه‌ها و تضاد منافع، زمینه‌های واگرایی فراهم است. وجود نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی این زمینه را تشدید کرده، به خلق ادبیات نفرت و تکفیر دامن می‌زند. سوءاستفاده‌های سیاسی از آموزه‌های دینی، مواجهه احساسی با مذهب و پایین‌بودن سطح معلومات دینی پیروان مذاهب، بر دامنه آن می‌افزاید. این واقعیت، بستر مناسب برای رشد بنیادگرایی، افراط‌گرایی مذهبی و حتا خشونت‌های مقدس به شما می‌رود. این امر می‌تواند حیات جمعی بشر در اکثر کشورها را به خطر انداخته و حتا نظم و امنیت بین‌المللی را تهدید نماید. تجربه‌های تاریخی نشان داده است که واگرایی مذهبی، ادبیات نفرت و فتاوی تکفیری، قدرت بالایی در خلق فجایع انسانی دارد. فتاوی تکفیری و خشونت‌های مقدس، بیش از اهرم‌های دیگر در کشتار، ویرانی و آواره‌گی انسان‌ها نقش داشته است؛ از همین روی به‌جا است که آگاهان و خردورزان عالم، در این رابطه چاره‌اندیشی نمایند.

به نظر می‌رسد، به‌رغم وجود دیدگاه‌های متفاوت در باب نقش دین در حیات آدمی، این ظرفیت در نفس آموزه‌های دینی موجود است، که برای هم‌گرایی بیش‌تر مفید افتد. آموزه‌هایی که استفاده مؤثر از آن، می‌تواند ما را در ساختن جهان عاری از خشونت یاری نماید.

در این رابطه، می‌توان با استفاده از آیات مبارکه قرآن کریم که یادآوری شد، رهنمود مفیدی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دست یافت. آیاتی که اشاره دارد به: اتخاذ گفت‌وگوی سازنده میان پیروان ادیان و مذاهب، تقویت روحیه و رویه اعتدال‌گرایی، گسترش مدارا و شکیبایی مذهبی، رشد خردورزی و تأکید بر نقاط مشترک در تعاملات میان ادیانی، از این موارد می‌تواند به‌عنوان راه‌کار مناسب در جهان متکثر کنونی، استفاده نمود. رهنمودی که می‌تواند جامعه بشری را از ورطه سقوط به دامن بنیادگرایی افراطی نجات داده و زمینه کشاکش مذهبی در سطح جهانی را کاهش دهد. این موارد اگر به شیوه جدی و درست مورد توجه علمای دین، مراجع دینی و رهبران سیاسی کشورها قرار گیرد، می‌تواند راهی برای رهایی از ادبیات نفرت و کاهش خشونت‌های مذهبی و ساختن جهان به‌تر، محسوب شود.

پیش‌نهادها

بادر نظر داشت نتایج پژوهش، چند پیش‌نهاد مطرح می‌گردد:

۱. مواجهه خردورزانه رهبران سیاسی با پیروان ادیان و عدم تحریک احساسات دینی؛
۲. ایجاد و تقویت مراکز گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها در کشورهای مختلف، به‌خصوص در مراکز

علمی؛

۳. برگزاری سمینارهای علمی شناخت ادیان با حضور رهبران مذهبی جهان از کشورهای مختلف؛

۴. ایجاد هم‌کاری‌های مذهبی، بین مراکز و حوزه‌های علمی دینی گوناگون؛
۵. احترام به باورهای دینی مختلف و تقویت اشتراکات دینی در سطح جهانی؛
۶. ایجاد رشته‌ی دانش‌گاهی ادیان و مذاهب در دانش‌گاه‌های معتبر کشورها.

سرچشمه‌ها

۱. احمدی، محمدصادق. (۱۳۹۶). **تاریخ کلیسا**. چاپ اول. قم: پژوهش‌کده باقرالعلوم.
۲. آقائوری، علی، والی‌زاده، محسن. (۱۳۹۹)، «**نقش و اقدامات فاطمیان مصر در شکوفایی و مظاهر تمدنی با تأکید بر رواداری**». در مجله علمی پژوهشی شیعه‌پژوهی. شماره ۱۹.
۳. برنارد، لوئیس. (۱۳۸۰). **برخورد تمدن‌ها**. ترجمه بهمن‌دخت اویسی. چاپ اول. تهران: فرزانه.
۴. توماس، اف‌مادن. (۱۳۹۸). **جنگ‌های صلیبی؛ شرحی بر طولانی‌ترین جنگ‌های مذهبی جهان**. ترجمه پرویز دلیرپور. چاپ سوم. تهران: سبزان.
۵. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۹). **دیوان اشعار حافظ**. چاپ اول. تهران: شومیز.
۶. حجتی، محمدباقر. (۱۳۶۵). **کاوش‌هایی در علوم قرآنی؛ اسباب النزول**. چاپ اول. تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۷. دهقان، معصومه. (۱۳۸۸). «**تسامح و تساهل مذهبی مغولان در رویکرد با اندیشه‌های دینی**». مجله تاریخ درآیین پژوهش. شماره ۲۲.
۸. دهقانی، محمد. (۱۳۹۳). **بررسی تطبیقی رواداری مذهبی در عصر آل بویه و سلجوقیان**. چاپ اول: قم: دانش‌گاه ادیان.
۹. دهقانی، محمد، بارانی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «**نقش رواداری مذهبی در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در قرن چهارم**». مجله علمی پژوهش‌های ادیانی. سال اول. شماره اول.
۱۰. رستمیان، محمد علی. (۱۳۹۰). **دین و قرائت‌پذیری**. چاپ اول. قم: دانش‌گاه ادیان.
۱۱. رودریگیس، هیلاری و جان اس هاردینگ. (۱۳۹۱). **درس‌نامه دین‌شناسی**. ترجمه سیدلطف‌الله جلالی. چاپ اول. قم: دانش‌گاه ادیان.
۱۲. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۹۱). **شرح نهج البلاغه**. چاپ سی‌وپنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. طفوش، محمد حسین. (۲۰۱۰). **تاریخ الدولة الصفویه**. چاپ اول. بیروت: دارالنفائس لطباعه و النشر و التوزیع.

۱۴. عباسی مقدم، مصطفی و فلاح مرقی، محمد. (۱۳۹۷). «معنائشناسی و ملاک‌شناسی جدال احسن قرآنی». تهران: مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن. دوره ۷ شماره ۱.
۱۵. فصیحی، علی. (۱۳۸۲). «قرآن و گفت‌وگو میان ادیان». قم: مجله پژوهش‌های قرآنی. شماره ۳۳ ویژه‌نامه قرآن، ادیان و فرهنگ‌ها.
۱۶. فونتانا، دیوید. (۱۳۸۵)، روان‌شناسی دین و معنویت. ترجمه ساوار. چاپ اول. قم: دانش‌گاه ادیان.
۱۷. ناردو، دان. (۱۳۸۷). تاریخ مسیحیت. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. چاپ اول. تهران: ققنوس.
۱۸. وحیدی، عبدالملک. (۱۳۸۸). «آسیب‌های دین‌داری در جامعه افغانی». قم: مجله علمی تخصصی پگاه اندیشه. سال اول. شماره دوم.

